



پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
دانشیار، گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران
استادیار، گروه روانشناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزاده مهرتاش^{id}
شهره قربان شیروودی*^{id}
جمشید جراره^{id}

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ | ایمیل نویسنده مسئول: shohrehshiroudi@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۵ پیاپی ۱۹ | ۱۱۵-۱۲۹

زمستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(مهرتاش و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

مهرتاش، آزاده، قربان شیروودی، شهره، و جراره، جمشید. (۱۴۰۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی. *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۵)، ۱۱۵-۱۲۹.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی انجام شد. **روش پژوهش:** روش پژوهش همبستگی و از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت شهر تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشد و ۳۸۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، باورهای ارتباطی در زندگی زناشویی ایدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲)، پرسشنامه رضایت جنسی لارسون و همکاران (۱۹۹۸) و پرسشنامه خودکنترلی تانجی و همکاران (۲۰۰۴) بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از الگوییابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار AMOS 14 و SPSS 24 استفاده شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد اثر مستقیم باورهای ارتباطی بر رضایت جنسی ($\beta = -0.13$)، خودکنترلی ($\beta = -0.47$) و تعهد زناشویی ($\beta = -0.46$) معنادار می‌باشد. اثر مستقیم رضایت جنسی بر تعهد زناشویی ($\beta = 0.22$) و خودکنترلی بر تعهد زناشویی ($\beta = 0.54$) نیز مثبت و معنادار است. در این میان خودکنترلی در ارتباط بین باورهای ارتباطی و تعهد زناشویی نقش میانجی را می‌تواند ایفای کند ($P \leq 0.001$). نتیجه‌گیری: باورهای ارتباطی، الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی و خودکنترلی در صورت شکل‌گیری در ابعاد مثبت و کارآمد، می‌تواند تعهدات زوجها را افزایش و حفظ کند.

کلیدواژه‌ها: باورهای ارتباطی، تعهد زناشویی، رضایت جنسی، خودکنترلی.

مقدمه

در زمان‌های اخیر، افراد ترجیح داده‌اند در جوامع بهتر زندگی کنند و بهترین شرکا را برای تضمین زندگی شاد و صلح‌آمیز انتخاب نمایند. ازدواج یک امر سنتی اجتماعی و تشریفاتی شرکا با وظایف و حقوق شناخته شده است. توصیف استاندارد ازدواج بر اساس فرهنگ و منطقه متفاوت است، زیرا ازدواج به عنوان یک واجب دینی توصیه می‌شود. در نتیجه ازدواج توافقی است بین یک زوج برای نشان دادن عشق، تعهد و لذت و تعهد به یک رابطه خانوادگی سالم (نلسون و همکاران، ۲۰۱۱). این پایه و اساس آمادگی روانی بهتر در زنان است. بنابراین، رضایت عاطفی و قانونی در زندگی هر زن و مرد متاهل حیاتی است. ضمناً انتخاب همسر و عقد نکاح از منافع شخصی در بزرگسالی محسوب می‌شود. انتخاب همسر در واقع یکی از دشوارترین تصمیمات در زندگی یک فرد است. افراد به دلایل مختلفی مانند لذت، عشق، آرزوی ایجاد خانواده، نیاز جنسی یا تمایل به فرار از انزوا و سختی‌های اجتماعی ازدواج می‌کنند (امان، عباس، لالا و شی، ۲۰۲۱). در میان تعاملات مختلف، تعهد به روابط زناشویی، مهمترین جنبه کیفی یک رابطه است. هر فردی در زندگی خود به انواع خاصی از چیزها متعهد است. یکی از ویژگی‌های طولانی موفق، تعهد زناشویی است. تعهد زناشویی به عنوان یک فرآیند شناختی تعریف می‌شود که منعکس کننده تصمیماتی است که افراد در مورد شریک زندگی خود می‌گیرند (گبی، ۲۰۱۸). تعهد در روابط زناشویی مفهومی ویژه است که تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. تعهد زناشویی را می‌توان به عنوان احساس استقامت تعریف کرد که در جذابیت و محدودیت یافت می‌شود (نلسون، کرک، آنه، سرس، ۲۰۱۱). در نتیجه همانطور که جانسون معتقد است، تعهد زناشویی شامل سه بعد تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری است. تعهد شخصی تمایل فرد به حفظ رابطه زناشویی است. این تعهد بیانگر ادراکات فرد از شریک زندگی و رابطه اش و همچنین اهمیت رابطه برای هر یک از همسران است. بعد دیگر تعهد زناشویی، تعهد فرد به حفظ رابطه خود است. ارزش‌های شخصی و باورهای اساسی در ارتباط با رفتار صحیح در روابط، هسته اصلی تعهد اخلاقی است (هالپرن میکین و تاج، ۲۰۱۳). تعهد ساختاری به این معناست که فرد احساس کند به دلیل عوامل بیرونی باید در رابطه باقی بماند. هم تعهد به همسر و هم ازدواج، کلید موفقیت ازدواج هستند. هر ازدواج موفق دارای سه رکن اصلی یعنی تعهد، جذب و تفاهم است. تعهد زناشویی قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات ازدواج است (اشکذری، پیریایی، بروجردیان و اشکذری، ۲۰۱۷). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و سازگاری زناشویی، مهارت‌های مناسب حل مسئله و رضایت زناشویی همبستگی دارد (لام و همکاران، ۲۰۱۶). این سه جزء با هم ترکیب می‌شوند تا یک رابطه رضایت بخش بین افراد ایجاد کنند. تعهد شخصی به علاقه فرد به ادامه رابطه زناشویی بر اساس جاذبه زناشویی و رضایت زناشویی اشاره دارد. تعهد اخلاقی به مسئولیتی اشاره دارد که افراد معتقدند باید در ارتباط بمانند و از زندگی لذت ببرند. تعهد ساختاری بر وجود روابط اجتماعی دلالت دارد (امان، عباس، لالا و شی، ۲۰۲۱).

تعهد زناشویی نشان دهنده دیدگاه بلندمدت زوجین نسبت به ازدواجشان است (تری، لیری، مهتا، ۲۰۱۳) و ماهیت وابستگی هر یک از زوجین را در روابط زناشویی نشان می‌دهد. عنصر مهمی در ثبات و انسجام هر ازدواج است (تودسکو، ۲۰۱۲). آدامز و جونز (۱۹۹۷) تعهد زناشویی را در سه بعد شخصی، اخلاقی و ساختاری بیان می‌کنند. از این منظر، تعهد شخصی بیانگر تمایل فرد به حفظ رابطه زناشویی و نگرش عاشقانه

او نسبت به شریک زندگی خود و رابطه آنهاست. تعهد اخلاقی منعکس‌کننده باورهای اخلاقی فرد برای ماندن در یک رابطه و رفتار مناسب است و تعهد ساختاری از باورهای بیرونی فرد برای ماندن در یک رابطه ناشی می‌شود به طوری که عوامل خارجی مانند عوامل فرهنگی و عرفی او را مجبور به ماندن در رابطه می‌کنند (ارنبرگ، رابرتسون و پرینگل، ۲۰۱۲). استرنبرگ (۱۹۸۶) در نظریه مثلثی عشق، تعهد را جزء مهم و سازنده و ضلعی از مثلث عشق معرفی می‌کند. تعهد جزء شناختی این رابطه است و سازه‌های شناختی متعددی که زوجها در روابط زناشویی وارد می‌کنند، آن‌ها را به حفظ رابطه طولانی‌مدت با یکدیگر متعهد می‌سازد. تعهد زناشویی برای سلامت نظام خانواده مهم است و شناخت عوامل مؤثر بر آن ضروری است. همانطور که شواهد پژوهشی نشان می‌دهد صمیمیت زناشویی و عوامل شخصی و مذهبی بر آن تأثیر می‌گذارد (زارعی، ۲۰۲۰). تعهد زناشویی زوجین نقش‌سازنده‌ای در ایجاد ثبات در خانواده دارد و عوامل مختلفی از جمله ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌تواند بر میزان تعهد زناشویی تأثیر بگذارد (صادقی، قادریجاوید، شالانی، ۲۰۱۹). فینچام و همکارانش نیز مؤلفه‌های شناختی و فردی را از عوامل زمینه‌ساز اختلال یا عدم اختلال در روابط زناشویی معرفی می‌کنند و معتقدند که شناخت‌های ناکارآمد موجب تنش و به دنبال آن عهدشکنی و فروپاشی زندگی زناشویی می‌شود. دو سازه مهم شناختی باورهای ارتباطی و الگوهای ارتباطی هستند. تأثیر هر دو متغیر از جمله منابع اساسی مؤثر بر تعهد زناشویی است (فینچام و همکاران، ۲۰۰۷).

ایدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) استدلال می‌کنند که باورهای ارتباطی ناکارآمد شامل اعتقاد به تغییر ناپذیری همسر، اعتقاد به مخرب بودن اختلاف نظر و کمال‌گرایی جنسی، انتظار ذهن‌خوانی، اعتقاد به تفاوت‌های جنسیتی و باورها و شناخت‌های منفی است که وارد می‌شود. رابطه زناشویی با فرد به عنوان ترجیحات ضروری و اجباری تبدیل می‌شود و به اهداف قطعی تبدیل می‌شود که در صورت عدم دستیابی به سردرگمی و نارضایتی از رابطه منجر می‌شود و می‌تواند دوام رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد (سری‌ثابت، ۲۰۱۹). ایس همچنین معتقد است بسیاری از سوء تفاهم‌ها در زندگی زناشویی ریشه در باورهای غیرمنطقی زوجها دارد. این باورها به صورت آگاهانه در زوجین وجود دارد، اما آن‌ها از تأثیر منفی آن بر افزایش مشکلات زناشویی خود آگاه نیستند (آزادی فر و امانی، ۲۰۱۷). مطالعات انجام شده توسط بورپی و لنگر (۲۰۱۳) نشان داد که باورهای ارتباطی به طور قابل توجهی بر تعهد زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد. مطالعات اسلاوینسکین و زردکیت-ماچولیتین (۲۰۱۲) و گاتمن (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که باورهای ارتباطی می‌توانند رضایت زناشویی، تعهد زناشویی، طلاق و خیانت زناشویی را پیش‌بینی کنند. نارضایتی از رابطه و عهدشکنی با باورهای ارتباطی رابطه معناداری دارد (استاکرت، بورسیک، ۲۰۰۳). باورهای ارتباطی با سایر متغیرها مانند رضایت زناشویی توسط شارپ و گانونگ (۲۰۰۰) و سازگاری زناشویی توسط همامسی (۲۰۰۵) رابطه منفی معناداری دارند. باورهای ارتباطی ناکارآمد بر متغیرهایی مانند روابط زناشویی و سازگاری تأثیر می‌گذارد و عامل بسیاری از اختلافات زناشویی است (رامیرز، ۲۰۰۸). الگوهای ارتباطی زوجین متغیر شناختی دیگری است که بر تعهد زناشویی تأثیر می‌گذارد (مولر و وانزیل، ۱۹۹۱). کریستنسن و سالوی (۱۹۹۱) الگوهای ارتباطی را کانال‌های ارتباطی می‌دانند که از طریق آن افراد با یکدیگر تعامل دارند و زوجها نیز مجموعه‌ای از الگوهای ارتباطی را ایجاد می‌کنند که شامل الگوی ارتباط سازنده متقابل، الگوی ارتباطی تقاضا-انصراف و الگوی ارتباط اجتنابی متقابل است. این الگوها تعیین می‌کنند که زوجها چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار

می‌کنند و در زمینه روابط زناشویی آن‌ها چه اتفاقی می‌افتد. به نظر می‌رسد الگوهای مخرب تأثیر مخربی بر روابط زناشویی دارد و رفتارهای مشکل‌ساز زوجها ناشی از باورهای ارتباطی و تعهدات زناشویی است. از شکل غیر سازنده این الگوها (لی و جانسون، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، رضایت زناشویی پیش‌بینی‌کننده قوی تعهد زناشویی است که با بهبود الگوهای ارتباطی بهبود می‌یابد (دنلی، ۲۰۱۷). متغیرهای ارتباطی تأثیر واسطه‌ای مثبت و معناداری بر بیشتر روابط زوجین دارند و مستقیماً یا از طریق متغیرهای دیگری مانند رضایت جنسی و رضایت زناشویی، پیش‌بینی‌کننده قوی تعهد زناشویی هستند (مام‌صاحی و همکاران، ۲۰۲۰). علاوه بر این، تحقیقات داتلیو (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که مؤلفه‌های شناختی و الگوهای ارتباطی ناکارآمد با موفقیت در روابط متعهدانه رابطه معکوس دارند. مارک و همکاران (۲۰۱۱) معتقدند که باورهای ارتباطی نقش اساسی در کارکردهای ارتباطی و الگوهای ارتباطی زوجها دارند. ویلوی (۲۰۱۵) معتقد است که باورهای ارتباطی از طریق مکانیسم‌های متعدد بر روابط و فرآیندهای ارتباطی زوجین تأثیر می‌گذارد و برای سازگاری و ناسازگاری آماده می‌شود. این نتایج حاکی از نقش تأثیرگذار باورهای ارتباطی در الگوهای ارتباطی زوجین است و رابطه آن‌ها شامل موفقیت یا شکست زندگی زناشویی است (سیاووشی و نوایی نژاد، ۲۰۰۶).

در این میان فعالیت جنسی و رضایت نقش عمده‌ای در صمیمیت زوجین دارد. رابطه جنسی ناراضی‌تی زوجین منجر به ناامیدی، محرومیت، احساس ناامنی، کاهش سلامت روان و در نتیجه کاهش رضایت زناشویی و فروپاشی زندگی می‌شود (اسمیت، ۲۰۱۵). تمایلات جنسی دارای سه بعد اصلی است که عبارتند از «خودپنداره جنسی»، «روابط جنسی» و «عملکرد جنسی» (وودز، ۱۹۸۷). خودپنداره جنسی به این معناست که چگونه فرد به کفایت خود به عنوان یک مرد یا یک زن در نقش‌های مردانه یا زنانه خود ارزیابی می‌کند و شامل «تصویر بدن»، «خود طرحواره جنسی» و «عزت نفس» می‌شود. روابط جنسی بخشی از روابط بین فردی است که در آن فرد تمایلات جنسی خود را با شخص دیگری در میان می‌گذارد. عملکرد جنسی به توانایی فرد برای تبادل لذت جنسی و عملکرد سالم در چرخه جنسی فیزیکی و روانی مربوط می‌شود (تائو، کوتس و مایکوک، ۲۰۱۱). در بهترین حالت، رابطه جنسی می‌تواند برای مردان و زنان لذت و رضایت زیادی به ارمغان بیاورد و بخش حساسی از زندگی انسان است. به این ترتیب، بسیاری از مطالعات تجربی همبستگی مثبت و معناداری را بین رضایت جنسی و کیفیت زناشویی گزارش کرده‌اند (یانگ و همکاران، ۱۹۹۸)، و کیفیت زناشویی بهتر، زندگی زناشویی پایدارتری را پیش‌بینی می‌کند (بیه و همکاران، ۲۰۰۶). نتایج چند مطالعه طولی نشان داده است که رضایت جنسی پیش‌بینی‌کننده ثبات زندگی زناشویی است (احمد و همکاران، ۱۹۹۶). یافته‌های پژوهش نشان داده است که بین کیفیت زندگی زناشویی و سلامت جسمی و روانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (رابلس و همکاران، ۲۰۱۴) و رضایت جنسی می‌تواند نقش واسطه‌ای بین سلامت جسمانی و کیفیت بالای زندگی زناشویی داشته باشد (گالینسکی و ویت، ۲۰۱۴).

در سال‌های اخیر یکی از مهمترین دلایل اختلاف و جدایی، بی‌وفایی و عدم تعهد همسران بیان شده است. از سوی دیگر، مدل‌سازی متغیرهای مؤثر مرتبط با تعهد می‌تواند به پیشگیری از اختلافات زناشویی و تقویت روابط بین زوجها کمک کند و تعهد زناشویی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. از آنجایی که تعهد در دین و فرهنگ ما نیز ارزش ممتازی است و حساسیت زیادی نسبت به آن وجود دارد و از سوی دیگر، متغیرهای مؤثر بر تعهد زناشویی در ایران نیازمند توجه فراوان است. در عین حال، کمبود تحقیق در مورد رابطه تعهد

زناشویی و باورهای ارتباطی در قالب مدل‌های معادلات ساختاری با میانجی‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی، انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین سوال پژوهش حاضر این است که آیا مدل تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی قابل پیش‌بینی است؟

روش پژوهش

از این نظر که هدف این پژوهش بررسی پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی می‌باشد، لذا برای بررسی این عناصر از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی و از نظر هدف همبستگی بهره گرفته شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت شهر تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشد در این پژوهش برای نمونه‌گیری بر اساس پیشنهاد کلاین (۲۰۱۱)، از قاعده ۱۰ به ۱ استفاده می‌شود. با توجه به احتمال ریزش مشارکت-کنندگان در فرایند انجام پژوهش، پژوهشگر تصمیم گرفت که از ۴۰۰ مشارکت کننده اطلاعات را جمع آوری کند. که در نهایت ۳۸۰ پرسشنامه کامل مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (MCQ). پرسشنامه تعهد زناشویی میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه به وسیله آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ در ۴۳ گویه تهیه و تدوین شده است. شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرد پنج گزینه‌ای است (کاملاً مخالفم ۱ تا کاملاً موافقم ۵) و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. که شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. آدامز و جونز در ۶ پژوهش گوناگون برای رسیدن به پایایی و روایی پرسشنامه آن را در مورد ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر پرسش با نمره کل پرسشنامه بالا و معنادار بود. پایایی کل پرسشنامه ۸۲٪ گزارش شد. در پژوهش (منبع داخل فایل) نیز ضریب آلفای کرونباخ ۸۰٪ به دست آمد. در داخل ایران نیز پایایی پرسشنامه در پژوهش قنبری هاشم آبادی (۱۳۹۰) برای تمامی خرده مقیاس‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و نتایج حاصل نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ برای مولفه تعهد شخصی ۰/۷۹، برای مولفه تعهد اخلاقی ۰/۸۰ و برای مولفه تعهد ساختاری نیز ۰/۸۲ می‌باشد.

۲. باورهای ارتباطی. این مقیاس به منظور اندازه‌گیری باورهای ارتباطی در زندگی زناشویی توسط ایدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲)، ساخته و توسط مظاهری و پوراعتماد (۱۳۸۰) به فارسی برگردانده شد. پرسشنامه دارای ۴۰ سوال است که هر سوال در طیف لیکرت به صورت دامنه‌ای از کاملاً غلط تا کاملاً درست پاسخ داده می‌شود. دارای ۵ خرده مقیاس است که پنج باور ارتباطی ناکارآمد (سه مفروضه و دو استاندارد) را می‌سنجد که عبارتند از: باور به "تخریب‌کنندگی مخالفت (مفروضه)", "توقع ذهن خوانی (استاندارد)", "باور به "تغییر ناپذیری همسر (مفروضه)", "کمال‌گرایی جنسی (استاندارد)", و "باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی (مفروضه)". این پرسشنامه توسط مشتاقی (۱۳۹۰) اعتباریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سوال بوده و هدف آن ارزیابی میزان باورهای ارتباطی غیر منطقی در رابطه زناشویی از ابعاد مختلف، باور به مخرب بودن مخالفت، باور به عدم تغییر پذیری همسر، توقع ذهن خوانی، کمال‌گرایی جنسی، باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی

است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده از ۱ تا ۵ می‌باشد. آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) دریافتند که نمره‌های این پرسشنامه با باورهای عمومی که توسط تست باورهای غیر منطقی جونز (جونز، ۱۹۶۸) اندازه‌گیری شده بود همبستگی مثبت داشت. همچنین در تحقیق ایمل کامپ و همکارانش (۱۹۸۷) شواهد کافی برای روایی محتوایی وسازه وجود داشت و ارتباط مثبت بین باورهای ارتباطی و ناسازگاری زناشویی به همراه ارتباط منفی معنی‌دار بین بیشتر خرده‌مقیاسها ارتباط نزدیک (پرسشنامه ارتباطی بنک، نیجسکنز، ۱۹۸۰) وجود داشت. (بوشمن به نقل از عبدالمحمدی، ۱۹۹۸).

۳. پرسشنامه رضایت جنسی. پرسشنامه رضایت جنسی لارسون بوسیله لارسون و همکارانش در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است (به نقل از شاه‌سیاه، شمس‌مفرحه، محبی و تبرایی، ۱۳۸۹) که شامل ۲۵ سؤال به روش پاسخدهی ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد و رضایت جنسی به صورت کلی را می‌سنجد. آلفای محاسبه شده برای این پرسشنامه ۰/۹۳ گزارش شده است. پاسخ به سوالات این پرسشنامه به صورت ۵ گزینه‌ای و بر اساس یک مقیاس لیکرتی از یک تا ۵ است که گزینه هرگز نمره ۱، گزینه به ندرت نمره ۲، گاهی اوقات نمره ۳، اکثر اوقات نمره ۴ و همیشه نمره ۵ را دریافت می‌کنند. که شماره سوالات زیر به این شکل نمره‌گذاری می‌شوند: ۱-۲-۳-۱۰-۱۲-۱۳-۱۶-۱۷-۱۹-۲۱-۲۲ و ۲۳ و سایر گزینه‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند: به عبارتی سوالات شماره‌های ۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۱-۱۴-۱۵-۱۸-۲۰-۲۴ و ۲۵ به صورت زیر نمره‌گذاری می‌شوند: گزینه هرگز نمره ۵، گزینه به ندرت نمره ۴، گاهی اوقات نمره ۳، اکثر اوقات نمره ۲ و همیشه نمره ۱ را دریافت می‌کنند. شایان ذکر است که در مطالعه شمس‌مفرحه (۱۳۸۰) با عنوان «بررسی تأثیر مشاوره زناشویی بر رضایت جنسی زوجین» روایی و پایایی این پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۶ گزارش شده است. همچنین طی پژوهش بهرامی تحت عنوان بررسی ارتباط رضایت جنسی و افسردگی بین زوجین بارور و نابارور، پایایی این پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ برای گروه بارور ۰/۹۳ و برای گروه نابارور ۰/۸۹ بدست آمده است.

۴. پرسشنامه خودکنترلی. این مقیاس توسط تانچی و همکاران (۲۰۰۴) و شامل ۱۳ سؤال می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۱۳ سؤال بوده و هدف آن سنجش میزان کنترل افراد بر خودشان است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت (۱ تا ۵) بوده است. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات را با هم جمع کنید. حداکثر نمره برای پرسشنامه خودکنترلی تانچی ۶۵ و حداقل ۱۳ است. نمره بالاتر بیانگر خودکنترلی بالاتر فرد خواهد بود و برعکس. روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش موسوی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) محاسبه و مورد تایید قرار گرفته است. در پژوهش تانچی و همکاران (۲۰۰۴) روایی این مقیاس با ارزیابی همبستگی آن با مقیاس‌های پیشرفت تحصیلی، سازگاری، روابط مثبت، و مهارت‌های بین فردی مورد تایید قرار گرفته است. همچنین پایایی آن بر روی دو نمونه آماری با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و ۰/۸۵ بدست آمده است.

شیوه اجرا. روش اجرای پژوهش حاضر به این شکل بود که پس از دریافت اطلاعات و مجوزهای لازم در مورد نمونه پژوهشی، محقق پرسشنامه‌های مورد نظر را در یک بازه زمانی ۳۲ روزه اجرا نمود و توزیع پرسشنامه بین نمونه‌های این پژوهش، به صورت الکترونیکی اجرا شد. بدین صورت که پس از پیاده‌سازی پرسشنامه‌ها در فرمت پرسشنامه آنلاین، با کسب مجوز لازم از واحدهای مربوطه، فرم‌ها به صورت لینک و

از طریق مشارکت مدیریت منابع انسانی شرکت نفت، لینک به شماره تماس و یا ایمیل کارکنان ارسال شد، نتایج به صورت اکسل استخراج و در نرم افزار spss پیاده شد و با استفاده از نرم افزار spss و AMOS داده‌های جمع‌آوری شده به صورت توصیفی و استنباطی مورد تحلیل و آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها

میانگین (انحراف معیار) سن شرکت‌کنندگان ۳۹/۸۶ (۶/۹۱) بود. جدول ۱ اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیر باورهای ارتباطی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد باورهای ارتباطی (N=۳۸۰)

عامل کلی	زیر مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
باورهای ارتباطی	باور به مخرب بودن مخالفت	۲۲/۳۸	۵/۵۲	۰/۱۵	-۰/۲۱
	توقع ذهن خوانی	۲/۴۹	۵/۹۵	۰/۴۲	-۰/۰۱
	باور به عدم تغییر پذیری همسر	۲۰/۸۵	۶/۴۷	۱/۶۶	۱/۴۹
	کمال‌گرایی جنسی	۲۰/۲۷	۵/۵۶	۰/۶۴	۰/۵۱
	باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی	۲۱/۱۵	۵/۶۰	۰/۲۶	-۰/۳۸
	نمره کل	۱۰۶/۱۶	۲۵/۲۶	۰/۴۶	۰/۳۸
رضایت جنسی	۸۴/۱۴	۱۰/۱۲	-۰/۴۲	۰/۴۶	
خودکنترلی	۴۷/۵۰	۱۰/۴۶	-۰/۴۳	-۰/۲۱	
تعهد زناشویی	تعهد شخصی	۵۲/۳۶	۷/۹۱	-۰/۲۴	۰/۴۵
	تعهد اخلاقی	۵۲/۳۴	۹/۳۱	-۰/۵۲	۰/۱۴
	تعهد ساختاری	۳۸/۸۲	۵/۸۴	-۰/۱۶	۰/۰۲
	نمره کل	۱۴۳/۵۳	۲۰/۰۹	-۰/۲۵	۰/۴۶

گارسون (۲۰۰۷) تاکید می‌کند اگر مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها بین ۲+ و ۲- باشد داده‌ها در سطح ۰/۵ از توزیع بهنجار برخوردارند. در این مطالعه، مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها بین ۲+ و ۲- به دست آمد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ماتریس متغیرها	۱	۲	۳	۴
باورهای ارتباطی	۱			
رضایت جنسی	-۰/۱۷**	۱		
خودکنترلی	-۰/۴۰**	۰/۱۳**	۱	
تعهد زناشویی	-۰/۵۷**	۰/۳۱**	۰/۶۴**	۱

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

بر اساس نتایج به دست آمده جدول ۲، بین باورهای ارتباطی و رضایت جنسی (۰/۱۷۶) و خودکنترلی (۰/۴۰۹-) و تعهد زناشویی (۰/۵۷۶-) رابطه معناداری به صورت منفی وجود دارد. همچنین رابطه بین رضایت جنسی (۰/۳۱۹) و خودکنترلی (۰/۶۴۶) با تعهد زناشویی نیز مثبت و معنادار می‌باشد. قابل ذکر است که ماتریس همبستگی بین متغیرها در سطح $p \leq 0/01$ معنادار می‌باشد. به منظور بررسی بررسی الگوی الگوی پراکندگی نمرات پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی، از تحلیل مسیر استفاده شد که نتایج به شرح زیر ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض بعد از اصلاح

RMSEA	CFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	بعد از اصلاح مدل
۰/۰۶۱	۰/۹۶۵	۰/۹۵۲	۲/۳۷۱	۲۸	۶۶/۴۱۰	

در این بخش، به منظور تبیین الگوی پراکندگی نمرات پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. در جدول ۴، شاخص مجذور خی (X^2) برابر با ۶۶/۴۱۰، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (X^2/df) برابر با ۲/۳۷۱، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) برابر با ۰/۹۶۵، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۶، و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۶۱، به دست آمد. بنابراین، طبق دیدگاه هو و بنتلر (۱۹۹۹) مقدار بزرگتر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های CFI و GFI و مقدار کوچکتر از ۰/۰۸ برای شاخص RMSEA بر برازش مطلوب الگوی مفروض با داده‌ها دلالت دارد.

جدول ۴. اثرات مستقیم در بررسی متغیرهای پژوهش

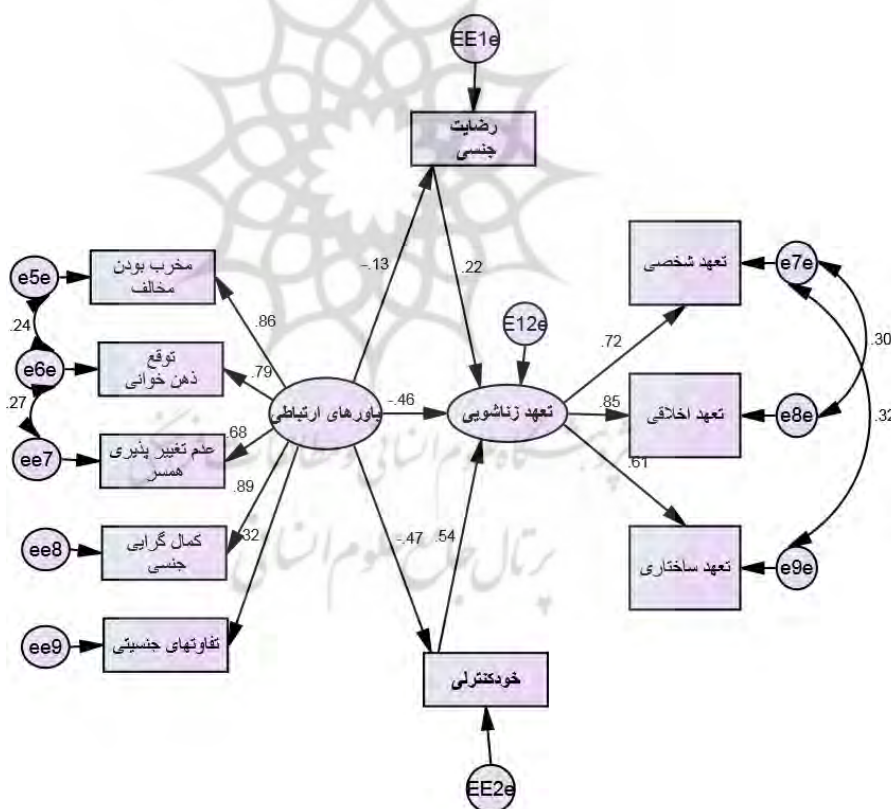
متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان اثر	ضریب t
باورهای ارتباطی	رضایت جنسی	- ۰/۱۳	-۲/۴۵۶
باورهای ارتباطی	خودکنترلی	- ۰/۴۷	-۸/۸۷۰
باورهای ارتباطی	تعهد زناشویی	- ۰/۴۶	-۸/۶۵۲
رضایت جنسی	تعهد زناشویی	۰/۲۲	۵/۸۲۶
خودکنترلی	تعهد زناشویی	۰/۵۴	۱۱/۰۳۳

بر اساس نتایج به دست آمده اثر مستقیم باورهای ارتباطی بر رضایت جنسی (۰/۱۳-) و خودکنترلی (۰/۴۷-) از نظر آماری معنادار است. همچنین اثر مستقیم باورهای ارتباطی بر تعهد زناشویی (۰/۴۶-) نیز معنادار می‌باشد. علاوه بر آن اثر مستقیم رضایت جنسی بر تعهد زناشویی (۰/۲۲) و خودکنترلی بر تعهد زناشویی (۰/۵۴) نیز مثبت و معنادار ارزیابی شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار t در همه مسیرها بیش از $\pm 1,96$ است که نشان دهنده معنادار بودن این مسیرها است. برای تعیین معناداری رابطه الگوی پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی، از آزمون سوایل استفاده شد. در این روش از فرمول زیر برای تحلیل متغیر میانجی استفاده می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون سوبل برای اثرات میانجی و غیر مستقیم

پیش بین	میانجی	ملاک	ضریب غیر مستقیم	Z	p
باورهای ارتباطی	رضایت جنسی	تعهد زناشویی	۰/۰۲۹	۰/۳۲۱	$p > ۰/۰۵$
باورهای ارتباطی	خودکنترلی	تعهد زناشویی	۰/۲۵	۵/۳۸۱	۰/۰۰۱

بر اساس داده‌های جدول ۵ در پیش‌بینی تعهد زناشویی از طریق باورهای ارتباطی با واسطه‌گری خودکنترلی مقدار Z بیش از $1/۹۶ \pm$ است و $(P < ۰/۰۱)$ معناداری این مسیر را نشان می‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت که «خود کنترلی، رابطه بین باورهای ارتباطی و تعهد زناشویی را میانجی‌گری می‌کند. ولی بر اساس داده‌های جدول ۴-۴۸ در پیش‌بینی تعهد زناشویی از طریق باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی مقدار Z کمتر از $1/۹۶ \pm$ است و $(P > ۰/۰۵)$ معناداری این مسیر را نشان نمی‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت که رضایت جنسی، رابطه بین باورهای ارتباطی و تعهد زناشویی را میانجی‌گری نمی‌کند.



شکل ۱. ضرایب مسیر الگوی پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی، با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی انجام گرفت. نتایج نشان داد که باورهای ارتباطی می‌تواند از طریق برقراری ارتباط به عنوان یکی از مهارت‌های ارتباطی و زندگی بر روابط و میزان تعهد زوجین تأثیر بگذارد. افکار و باورهای غیرمنطقی زوجین میزان تعهد آن‌ها را کاهش می‌دهد. این یافته با مطالعات سلاوینکس و زادسکایت (۲۰۱۲) و گاتمن (۲۰۱۸) سازگار است که بیان می‌کند که باورهای ارتباطی ناکارآمد بر متغیرهایی مانند روابط زناشویی، سازش تأثیر می‌گذارد و عامل بسیاری از اختلافات زناشویی است. همچنین نتایج نشان داد که رضایت جنسی می‌تواند تعهد زناشویی را نیز بهبود بخشد. باورهای ارتباطی از طریق رضایت جنسی می‌تواند بر میزان تعهد زناشویی تأثیر بگذارد، بر این اساس پورغلامعلی (۱۳۹۴) معتقد است که بین کارکردهای جنسی و باورهای ارتباطی، تعارضات زناشویی و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد و باورهای ارتباطی ناکارآمد باعث کاهش میزان تعهد جنسی شده است. رضایت زوجین و به دنبال آن رضایت زناشویی و تعهد زناشویی کاهش می‌یابد. شمس‌الدینی (۱۳۹۴) معتقد است که باورهای ارتباطی ناکارآمد نارضایتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند و ممکن است منجر به کاهش رضایت زناشویی و تعهد زناشویی شود.

همچنین اینکه خودکنترلی نیز در تبیین تعهد زناشویی در افراد مورد بررسی نقش معنی‌داری را ایفا می‌کند. از دیگر همبستگی‌های تعهد زناشویی در این پژوهش، خودکنترلی بود. خودکنترلی یک مراقبت درونی است که بر اساس آن وظایف محوله انجام می‌شود و از رفتارهای غیر هنجاری، غیرعادی و غیرقانونی اجتناب می‌شود. بنابراین، مهارت خودکنترلی بازتابی از خودسازی است. برای اینکه انسان بتواند رفتار خود را کنترل کند باید بفهمد که عامل ایجاد یک رفتار است و متوجه شود که آن رفتار و پیامدهای آن نتیجه عملی است که می‌تواند تا حدودی آن را کنترل کند. مطالعات نشان می‌دهد که فقدان نسبی توانایی در کنترل تکانه‌ها منجر به رفتارهای هیجانی و جنسی پرخطر و رفتار پرخوری و نوشیدن می‌شود (هادی و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع، شواهد تجربی نشان می‌دهد که افراد با توانایی خودکنترلی بالاتر، نتایج بهتری در زوایای مختلف دریافت می‌کنند که از آن جمله می‌توان به مواردی مانند دستاوردها و وظایف، کنترل تکانه، سازگاری، روابط بین فردی، عواطف اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی اشاره کرد (صیادپور، ۱۳۸۶). در مورد رابطه بین خودکنترلی و تعهد زناشویی، لازم است به نتایج تحقیقات مارک، یانسن و میلهاوزن (۲۰۰۲) مراجعه شود که معتقدند مردان و زنانی که در کنترل تکانه امتیاز کمتری دارند و از بازداری کمتری برخوردارند. بیشتر درگیر روابط هستند. آن‌ها خارج از ازدواج می‌شوند و افرادی که تمایل بیشتری به خیانت دارند، احساسات منفی بیشتری را گزارش می‌کنند. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان اراده و آزادی است که ناشی از خویش‌داری است. در واقع خودکنترلی نوعی خودمدیریتی است که با تقویت آن فرد می‌تواند بر خود مسلط شود و از انحرافات و خطاها و جنایات دوری کند؛ به طور کلی تعهد زناشویی به احساس تداوم در رابطه و تلاش و انگیزه برای حفظ رابطه اشاره دارد و عامل اصلی وفاداری و ثبات خانواده است. تعهد زناشویی شامل نگرش فرد نسبت به شریک زندگی خود و رابطه با او می‌باشد، میزان احساسات و عواطف زوجین را نسبت به طرف مقابل خود می‌رساند و اینکه در تعهد زناشویی عوامل آداب و رسوم و قوانین به عهد خود پایبند هستند. اما عواملی وجود دارد که بر میزان تعهد زناشویی در بین زوجین تأثیر می‌گذارد. یکی از این

عوامل، طرحواره‌های ناسازگار اولیه است که زوجین را به سمت منفی‌گرایی در تفکر، احساس، رفتار و نحوه ارتباط با دیگران سوق می‌دهد و آن‌ها را از تعهدات زناشویی خود دور می‌کند، زیرا این طرحواره‌ها به باورهای فرد نفوذ می‌کند و بر رفتار او تأثیر منفی می‌گذارد. و افکار یکی دیگر از عوامل مهم در تأثیرگذاری بر میزان تعهد زناشویی، باورهای ارتباطی است. اگر این باورها مؤثر باشد، می‌تواند سطح تعهد زوجین را بهبود بخشد و حفظ کند و در صورت بی‌اثر بودن، این تعهدات را مختل می‌کند. اگر کانال‌های ارتباطی زوجین در تعامل و دوستی شکل بگیرد، میزان تعهد نیز بالاست و تعهد بیشتری نسبت به یکدیگر دارند. همچنین اگر زوجین از روابط صمیمانه و جنسی خود با همسر خود رضایت داشته باشند، میزان تعهد زناشویی آن‌ها نیز در سطح مطلوبی قرار دارد، زیرا زوجین نیازهای عاطفی ناشی از ارزیابی را از منظر مثبت می‌بینند و نیازهای عاطفی، طرف مقابل را ارضا می‌کنند و این صمیمیت و احساس باعث می‌شود که آن‌ها بیشتر به زندگی زناشویی پایبند باشند. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که طرحواره‌ها بر تعهدات زوجین تأثیرات منفی دارد، اما در عوض، باورهای ارتباطی، الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی و خودکنترلی در صورت شکل‌گیری در ابعاد مثبت و کارآمد، می‌تواند تعهدات زوج‌ها را افزایش و حفظ کند (صیادپور، ۱۳۸۶). قابل ذکر است که تعمیم یافته‌ها به محدودیت‌های تحقیق بستگی دارد. این پژوهش اساساً از نوع همبستگی بود. از این رو، توضیح علی‌نتایج ممکن نیست. همچنین نمونه آماری این پژوهش بر اساس استفاده از ابزار اندازه‌گیری خود گزارشی انتخاب شد. بنابراین، تعمیم نتایج باید با احتیاط انجام شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، روایی و پایایی در نمونه‌های متنوع و گسترده‌تر در نظر گرفته شود. علاوه بر اهمیت رضایت زناشویی، بررسی رابطه بین سازگاری زناشویی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه حائز اهمیت است. اگرچه در این پژوهش رابطه بین سبک‌های ارتباطی و تعهد زناشویی زوجین تایید شد، اما پیچیدگی و ماهیت آن به خوبی شناخته نشده است. بنابراین درک پیچیدگی سبک و نوع رابطه در زوجین در آینده مهم است.

موازن اخلاقی

در این پژوهش موازن اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند. پس از اتمام پژوهش گروه گواه نیز تحت مداخله قرار گرفتند.

سپاسگزاری

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نماید.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر حاصل اقتباس از طرح پژوهشی نویسنده اول بود. نویسنده این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نقش داشت.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- آزادی فرد، صدیقه، امانی، رزیتا. (۱۳۹۹). رابطه‌ی باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با رضایت زناشویی. *روانشناسی بالینی و شخصیت*. ۱۴(۲)، ۳۹-۴۷.
- پورغلامی، زینب (۱۳۹۴). ارائه مدل علی باورهای ارتباطی و رضایت جنسی با نقش میانجی‌گری تعارضات زناشویی. دانشگاه شهید باهنر کرمان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- زارعی، سلمان. (۱۳۹۹). رابطه هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی زنان: نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی. *رویش روان شناسی*. ۹(۷): ۵۴-۴۵.
- سیری ثابت، شبنم. (۱۳۹۸). نقش باورهای غیرمنطقی در تعهد زناشویی زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی منطقه ۲ تهران. *مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*. ۴(۱)، ۷۱-۸۰.
- شمس الدینی، هانیه، رفاهی، ژاله (۱۳۹۵). نقش پیش بینی کنندگی باورهای غیرمنطقی ارتباطی و مؤلفه‌های عشق بر دلزدگی زناشویی زنان. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*. ۱۵(۶۰)، ۱۹-۴۱.
- صادقی، مسعود، قادری جاوید، سارا، شلانی، بیتا. (۲۰۱۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان متأهل. *پژوهش در دین و سلامت*. ۵(۳)، ۱۸-۳۱.
- صیادپور، زهره (۱۳۸۶). بررسی تحول مفهوم خانواده در کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی. *مجله روان شناسی و علوم تربیتی*. ۱.
- هادی، سعیده، اسکندری، حسین، سهرابی، فرامرز، معتمدی، عبدالله، فرخی، نور علی. (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرازناشویی عاطفی). *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*. ۷(۲۸)، ۳۳-۶۰.

References

- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177.
- Ahmed, A. U. (1996). Marital instability: A social and behavioral study of the early years. *Journal of Marriage and Family*, 58(4), 1045.
- Aman, J., Abbas, J., Lela, U., & Shi, G. (2021). Religious affiliation, daily spirituals, and private religious factors promote marital commitment among married couples: does religiosity help people amid the COVID-19 crisis?. *Frontiers in psychology*, 12, 657400.
- Azadi Farad, S., & Amani, R. (2020). The relationship between communication beliefs and conflict resolution styles with marital satisfaction. *Clinical Psychology and Personality*, 14(2), 39-47. (In Persian)
- Azadifard, S., & Amani, R. (2020). The Relation between Relational Beliefs and Conflict Resolution Styles with Marital Satisfaction. *Clinical Psychology and Personality*, 14(2), 39-47. (Persian)

- Burpee, L. C., & Langer, E. J. (2005). Mindfulness and marital satisfaction. *Journal of Adult Development, 12*, 43-51.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, conflict, and psychological distance in nondistressed, clinic, and divorcing couples. *Journal of consulting and clinical psychology, 59*(3), 458.
- Danley, C. J. *Marital satisfaction in clergy couple: Issues, concern, and mediating factors* (Doctoral dissertation, Ph. D. Dissertation. Texas: Woman's University, 2007: 18).
- Dattilio, F. M. (2005). Introduction to the special section: The role of cognitive-behavioral interventions in couple and family therapy. *Journal of marital and family therapy, 31*(1), 7-13.
- Donnellan, M. B., Assad, K. K., Robins, R. W., & Conger, R. D. (2007). Do negative interactions mediate the effects of negative emotionality, communal positive emotionality, and constraint on relationship satisfaction?. *Journal of Social and Personal Relationships, 24*(4), 557-573.
- Ehrenberg, M. F., Robertson, M., & Pringle, J. (2012). Attachment style and marital commitment in the context of remarriage. *Journal of Divorce & Remarriage, 53*(3), 204-219.
- Eidelson, R. J., & Epstein, N. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of consulting and clinical psychology, 50*(5), 715.
- Finkel, E. J., & Campbell, W. K. (2001). Self-control and accommodation in close relationships: an interdependence analysis. *Journal of personality and social psychology, 81*(2), 263.
- Galinsky, A. M., & Waite, L. J. (2014). Sexual activity and psychological health as mediators of the relationship between physical health and marital quality. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences, 69*(3), 482-492.
- Gomillion, S., Lamarche, V. M., Murray, S. L., & Harris, B. (2014). Protected by your self-control: The influence of partners' self-control on actors' responses to interpersonal risk. *Social Psychological and Personality Science, 5*(8), 873-882.
- Gottman, J. M., & Tabares, A. (2018). The effects of briefly interrupting marital conflict. *Journal of marital and family therapy, 44*(1), 61-72.
- Hadi, S., Eskandari, H., Sohrabi, F., Mohtamadi, A., Farokhi, F., & Noorali, N. (2016). Structural model of predicting marital commitment based on attachment styles and mediating variables of self-control and early maladaptive schemas (in individuals with emotional extramarital relationships). *Counseling and Psychotherapy Culture, 7*(28), 33-60. (In Persian)
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Social Behavior and Personality: an international journal, 33*(4), 313-328.
- Kenny, D. A. (2018). Reflections on the actor-partner interdependence model. *Personal Relationships, 25*(2), 160-170.
- Lavner, J. A., Lamkin, J., & Miller, J. D. (2017). Trait impulsivity and newlyweds' marital trajectories. *Journal of personality disorders, 31*(1), 133-144.
- Li, P. F., & Johnson, L. N. (2018). Couples' depression and relationship satisfaction: Examining the moderating effects of demand/withdraw communication patterns. *Journal of Family Therapy, 40*, S63-S85.

- Mam Salehi, H., Moradi, O., Arefi, M., & Yar-Ahmadi, Y. (2020). Mediating role of communication patterns in relationship between self-differentiation and sexual satisfaction. *Iranian journal of psychiatry and clinical psychology*, 26(2), 154-169.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, 40, 971-982.
- Mead, N. L. (2005). *Personality predictors of relationship satisfaction among engaged and married couples: An analysis of actor and partner effects*. Brigham young university.
- Möller, A. T., & Van Zyl, P. D. (1991). Relationship beliefs, interpersonal perception, and marital adjustment. *Journal of clinical psychology*, 47(1), 28-33.
- Pourgholami, Z. (2015). Providing a causal model of communication beliefs and sexual satisfaction with the mediating role of marital conflicts. Shahid Bahonar University of Kerman - Faculty of Literature and Humanities. Master's thesis. (In Persian)
- Ramirez Jr, A. (2008). An examination of the tripartite approach to commitment: An actor-partner interdependence model analysis of the effect of relational maintenance behavior. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25(6), 943-965.
- Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (2014). Marital quality and health: a meta-analytic review. *Psychological bulletin*, 140(1), 140.
- Sadeghi, M., Ghaderi Javid, S., & Shalani, B. (2019). Predicting marital commitment based on personality traits, attachment styles, and religious orientation in married students. *Research in Religion and Health*, 5(3), 18-31. (In Persian)
- Sadeghi, M., Ghaderijavid, S., & Shalani, B. (2019). Prediction of marital commitment based on personality traits, attachment styles, and religious orientation in married students. *rrrr nll ff zzz iii si iii ii i i lll l mt*, 5(3), 18-31. (Persian)
- Sayyadpour, Z. (2007). The evolution of the concept of family in institutionalized and non-institutionalized children. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 1. (In Persian)
- Seiri Sabet, Sh. (2019). Role of irrational beliefs in marital commitment of married women visiting health centers in 2nd region of Tehran. *Studies of psychology and educational sciences*, 4(1), 71-80. (Persian)
- Shamsoddini, H., & Rafahi, Z. (2016). The predictive role of communication irrational beliefs and love components on marital dissatisfaction in women. *Counseling Research Quarterly*, 15(60), 19-41. (In Persian)
- Sharp, E. A., & Ganong, L. H. (2000). Raising awareness about marital expectations: Are unrealistic beliefs changed by integrative teaching?. *Family relations*, 49(1), 71-76.
- Siri Sabt, S. (2019). The role of irrational beliefs in marital commitment of married women referring to health centers in district 2 of Tehran. *Psychological and Educational Studies*, 4(1), 71-80. (In Persian)
- Siyavoshi, H., & Navabinezgard, S. H. (2006). The relationship between marital communication patterns and irrational beliefs of high school teachers. *News in consulting*, 4, 19-34.
- Slavinskienė, J., & Žardeckaitė-Matulaitienė, K. (2012). The relations between sociodemographical factors, irrational beliefs, adult insecure attachment style and marital satisfaction of Lithuanian married couples. *Advanced research in scientific areas*, 3(7), 1042-1047.

- Smith, N. K., Madeira, J., & Millard, H. R. (2015). Sexual function and fertility quality of life in women using in vitro fertilization. *The journal of sexual medicine, 12*(4), 985-993.
- Stackert, R. A., & Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and individual differences, 34*(8), 1419-1429.
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review, 93*(2), 119.
- Tao, P., Coates, R., & Maycock, B. (2011). The impact of infertility on sexuality: A literature review. *The Australasian medical journal, 4*(11), 620.
- Terry, M. L., Leary, M. R., & Mehta, S. (2013). Self-compassion as a buffer against homesickness, depression, and dissatisfaction in the transition to college. *Self and Identity, 12*(3), 278-290.
- Todesco, L. (2013). Family social background and marital instability in Italy. Do parental education and social class matter?. *The social science journal, 50*(1), 112-126.
- Willoughby, B. J. (2015). The role of marital beliefs as a component of positive relationship functioning. *Journal of Adult Development, 22*, 76-89.
- Woods, N. F. (1987). Toward a holistic perspective of human sexuality: alterations in sexual health and nursing diagnoses. *Holistic nursing practice, 1*(4), 1-11.
- Yeh, H. C., Lorenz, F. O., Wickrama, K. A. S., Conger, R. D., & Elder Jr, G. H. (2006). Relationships among sexual satisfaction, marital quality, and marital instability at midlife. *Journal of family psychology, 20*(2), 339.
- Young, K. (2017). *Exploring the Recipe for a Healthy Relationship: The Impact of Personality Strengths and Strength Similarity on Romantic Relationships* (Doctoral dissertation).
- Young, M., Denny, G., Luquis, R., & Young, T. (1998). Correlates of sexual satisfaction in marriage. *Canadian Journal of Human Sexuality, 7*, 115-128.
- Yovetich, N. A., & Rusbult, C. E. (1994). Accommodative behavior in close relationships: Exploring transformation of motivation. *Journal of Experimental Social Psychology, 30*(2), 138-164.
- Zarei, S. (2020). The relationship between ethical intelligence and spiritual intelligence with women's marital commitment: The mediating role of marital intimacy. *Psychological Growth, 9*(7), 45-54. (In Persian)
- Zarei, S. (2020). The Relationship Between Moral Intelligence and Spiritual Intelligence with Marital Commitment in Women: The Mediating Role of Marital Intimacy. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ), 9*(7), 45-54.
- Zuo, P. Y., Karremans, J. C., Scheres, A., Kluwer, E. S., Burk, W. J., Kappen, G., & Ter Kuile, H. (2020). A dyadic test of the association between trait self-control and romantic relationship satisfaction. *Frontiers in Psychology, 11*, 594476.

Predicting marital commitment based on communication beliefs with the mediation of sexual satisfaction and self-control

Azadeh. Mehrtash¹, *Shohreh. Ghorban Shiroudi*^{2*} & Jamshid. Jarareh³

Abstract

Aim: The present study was conducted with the aim of predicting marital commitment based on communication beliefs with the mediation of sexual satisfaction and self-control. **Methods:** The research method was correlational and structural equations type. The statistical population is all women who referred to counseling centers and health homes in Tehran in 2020-21 and 380 people were selected as a sample using a simple random sampling method. The data collection tool was Adams and Jones' Marital Commitment Questionnaire (1997), Idelson and Epstein's Relationship Beliefs in Married Life (1982), Larson et al.'s Sexual Satisfaction Questionnaire (1998), and Tangeny et al.'s Self-Control Questionnaire (2004). For data analysis, structural equation modeling was used using AMOS 14 and SPSS 24 software. **Results:** The results showed that the direct effect of communication beliefs on sexual satisfaction ($\beta=-0.13$), self-control ($\beta=-0.47$) and marital commitment ($\beta=-0.46$) is significant. The direct effect of sexual satisfaction on marital commitment ($\beta=0.22$) and self-control on marital commitment ($\beta=0.54$) is also positive and significant. Meanwhile, self-control can play a mediating role in the relationship between communication beliefs and marital commitment ($P\geq 0.001$). **Conclusion:** communication beliefs, communication patterns, sexual satisfaction and self-control, if formed in positive and efficient dimensions, can increase and maintain couples' commitments.

Keywords: communication beliefs, marital commitment, sexual satisfaction, self-control.

1. PhD student, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. ***Corresponding author:** Associate Professor, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran
Email: shohreshiroudi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran